

## گزارش

## عمرو موسی: سودان بزرگ نباید از هم جدا شود

دبیر کل اتحادیه عرب روند همه‌پرسی در خصوص جدایی جنوب سودان را اتفاقی بزرگ در شرایط کنونی اعراب توصیف کرد.
به گزارش ایسنا، عمرو موسی دبیرکل اتحادیه عرب در سخنرانی خود در برابر پارلمان عراق عنوان داشت: ما دور هم جمع شده‌ایم و امروز روز برگزاری همه‌پرسی جنوب سودان است که ممکن است موجب جدایی جنوب از شمال باشد. او افزود: عراق کشور اصلی است و نمی‌تواند بدون اینکه موضوع‌گیری در خصوص این حادثه داشته باشد از کنار آن بگذرد. دبیرکل اتحادیه عرب تصریح کرد: همه‌پرسی امری تعیین‌شده است و همه برای تاریخ آن توافق کردند و ما باید در راستای حمایت از جامعه سودان تلاش کنیم تا از هم‌اکنون میان شمال و جنوب سودان همکاری ایجاد شود و سودان بزرگ نباید از هم جدا شود و دو دولت جداگانه شکل بگیرد. دبیرکل اتحادیه عرب تأکید کرد: اتحادیه عرب امیدوار است اجلاس سسران عرب در بغداد در ماه مارس آینده در راستای پررنگ کردن همکاری عربی مشترک به رهبری عراق باشد. عمرو موسی ادامه داد: ما همه امیدواریم اجلاس سسران عرب در بغداد موجب پررنگ‌شدن نقش عراق در سال آینده باشد. عراق کشور عربی فعال است و ما شرایط شکل‌گیری عراق را درک می‌کنیم. او ادامه داد: اجلاس اتی سران عرب تأکید خواهد کرد که عراق به عنوان یک کشور عربی فعال به جمع کشورهای عربی بازگشته و توانسته از بحران عبور کند. ما در اتحادیه عرب از عراق در گام‌های آینده‌اش حمایت می‌کنیم و اجلاس سسران عرب شروع‌کننده یک صفحه جدید در حال حاضر و آینده منطقه خواهد بود و در راستای ثبات کشورهای عربی تلاش خواهیم کرد. او ادامه داد: من امروز در عراق هستم و احساس می‌کنم صفحه سیاسی جدیدی در عراق آغاز شده است. مشارکت در روند سیاسی عراق گسترش یافته است. امیدوارم عراق سریع‌تر به سوی عراق جدید حرکت کند چون عراق رکن اصلی از ارکان جهان عرب است و ما می‌خواهیم عراق رنگ آرامش ببیند. اگر عراق با بهبود اوضاع روبه‌رو باشد منطقه نیز با بهبود وضعیت روبه‌رو خواهد شد. عمرو موسی برای سفری دوازده شنبه وارد بغداد شد و قرار است با مسعود باززانی رئیس منطقه کردستان عراق و آیت‌الله العظمی سیدعلی سیستانی از مراجع عالیقدر شیعه دیدار کند.

**نگرانی اعراب از تجزیه سودان**

روزنامه سوری تشرين در سرمقاله خود تحت عنوان «شاید سودان تنها به دو بخش تقسیم نشود» نوشت: دیروز مردم سودان برای تعیین سرنوشت خود مبنی بر جدایی جنوب از شمال با عدم جدایی، به پای صندوق‌های رای رفتند. گفته می‌شود این



همه‌پرسی سرنوشت‌ساز است، اما کسی توضیح نداده است که این همه‌پرسی به نفع چه کسی و علیه چه کسی است. به هر حال به نظر نمی‌رسد توضیح مفهوم همه‌پرسی در شرایط کنونی فایده‌ای داشته باشد، چراکه زمان آن بدون در نظر گرفتن موعد اعلام نتیجه این همه‌پرسی به پایان رسیده است. برخی معتقدند نتیجه این همه‌پرسی پیشاپیش به نفع جدایی جنوب از شمال مشخص شده است. چه این منطقه از شمال جدا شود و چه نشود، در هر صورت جدایی جنوب از شمال به صورت غیررسمی صورت گرفته است. بدون در نظر گرفتن دلایل این روند، باید توجه داشت که این مساله در کشوری عربی انجام می‌شود و اکثریت اعراب با مسائلی همچون مسائل اجتماعی، اقتصادی، تروریسم یا اشغالگری درگیر هستند. مساله جدایی جنوب از شمال سودان در میان کشورهای عربی از اهمیت زیادی برخوردار است. عراق تحت اشغال است، سودان به سمت تجزیه و جدایی می‌رود، امنیت مصر در معرض خطر است، یمن از بحران‌های خود رنج می‌برد، تونس و الجزایر شاهد درگیری هستند و فلسطین تحت اشغال است. جنگنده‌های دیگر کشورها حریم هوایی کشورهای عربی را نقض می‌کنند. در چنین شرایطی اگر سودان تجزیه شود، باید بدانیم که این مساله الگو و نمونه‌ای برای تجزیه به شمار می‌آید نه بازسازی و عمران کشور. هر کسی که فکر کند سودان به دلیل تنوع قباایل و مذاهبش تقسیم می‌شود، در اشتباه است چراکه این کشور به خاطر نفت تقسیم می‌شود. با وجود پیچیدگی‌های مساله سودان و محکومیت‌های کشورهای عربی، کشور سودان تقسیم خواهد شد. چه بسا این کشور تنها به دو بخش تقسیم نشود.

از سوی دیگر، روزنامه الخلیج در مقاله‌ای تحت عنوان «موضع اعراب کجاست؟» نوشت: «با آغاز همه‌پرسی جنوب سودان این کشور دیگر آن کشوری که می‌شناختیم نخواهد بود. با جدایی جنوب از شمال، تنوع فرهنگی، تاریخی، تمدنی و ثروت‌های طبیعی نیز از بین می‌رود. اسرائیل و آمریکا از جدایی جنوب از شمال حمایت کرده و برای ایجاد نظام ضداعراب در این کشور زمینه‌سازی می‌کنند. سودان از امروز به بعد دیگر آن کشور همیشگی نخواهد شد. باید نسبت به آنچه طی روزهای آینده در جنوب رخ می‌دهد، هوشیار بود. ساده‌ترین کاری که می‌توان کرد، اعلام درخواست برای برگزاری نشست مسوولان بلندپایه عربی با هدف بررسی گام‌های لازم است.»

# رسانه‌های مجارستان زیر تیغ سانسور

*ترجمه: محمدعلی فیروز آبادی*

«آتیلا مونز» در حال حاضر صبح‌ها بیکار است. حدود ساعت ۹ به کافه پر از آینه هتل آستوریای بوداپست می‌رود و برای خودش جای سفارش می‌دهد. رادیو برنامه مجله صبحگاهی را پخش می‌کند. این رادیو «۱۸۰دقیقه» نام دارد و زمانی با نام این مرد یعنی آتیلا مونز شناخته می‌شد. اما این روزنامه‌نگار با شمار زیادی جایزه مطبوعاتی اکنون حق نشستن پشت میکروفن رادیو را ندارد زیرا وی در روز ۲۱ دسامبر و در اعتراض به قانون جدید مطبوعات مجارستان به مدت یک دقیقه برنامه خود را قطع کرده بود. این قانون ۱۷۵ صفحه‌ای و محدودکننده جدید از روز اول ژانویه سال جدید قدرت اجرایی پیدا کرد و در آینده‌ای نزدیک مونز و رئیس معلق‌شده‌اش «شولت بوگا» باید برای تعیین تکلیف خود در دادگاه حاضر شوند. این دو نفر تا آن زمان بیکار هستند و البته باید همیشه در دسترس باشند و نباید بیش از ۲۰۰ کیلومتر از شهر دور شوند و حق ورود به ساختمان رادیو را هم ندارند.

مونز می‌گوید به فاصله کوتاهی از آن روز صفحه‌ای به حمایت از وی در قیس‌بوک توسط هوادارانش باز شد، یعنی همان کسانی که قصد دارند «در مقابل ساختمان رادیو شمع روشن کنند». با این حال مونز خود را قربانی قانون جدید مطبوعات نمی‌داند و برای هوادارانش نوشته است: «هنوز زندگی می‌کنم و نیازی به شمع روشن کردن بر سر گور من نیست. شما باید علیه قانون مطبوعات اعتراض کنید.» این قانون ۲۲۸ ماده‌ای اختیارات شورای نظارت بر رسانه‌ها را مشخص می‌کند و بر پایه آن این شورا می‌تواند علاوه بر معرفی شخص خاصی به دادگاه‌های عمومی، رأسأ نیز برای وی مجازات‌های مالی تعیین کند. رئیس این شورا برای ۹ سال انتخاب می‌شود و این اختیار را دارد که برای رسانه‌های نوشتاری و آنلاین تا سقف ۹۰ هزار یورو و برای رسانه‌های دیداری و شنیداری تا سقف ۷۵۰ هزار یورو جریمه تعیین کند. علاوه بر آن از این پس روزنامه‌نگاران مجار موظف به اعلام منابع خبری خود هستند.

مجارستان از اولین روز سال جاری ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا را بر عهده دارد و این به معنی آن است که برزیدنت «ویکتور اوربان» به مدت شش ماه در مرکز توجه تریبون‌های اروپایی قرار خواهد داشت. از قرار معلوم واکنش‌های تند بین‌المللی نسبت به این قانون جدید، دوره شش‌ماهه دشواری را برای اوربان رقم می‌زند. «ژان آسلبورن» وزیر امور خارجه لوکزامبورگ این پرسش را مطرح می‌کند که آیا اصولاً کشوری مانند مجارستان «شایسته رهبری اتحادیه اروپاست»؟

تاریخ‌نگار و نویسنده نشریه دی‌ولت آلمان یعنی میثائیل اشتورمر نیز با یادآوری روش‌های «کشورداری» اوربان، وی را شایسته این مقام نمی‌داند و علاوه بر آن «گتورگی کنراد» نویسنده مجار هم هشدار می‌دهد که حزب حاکم مجارستان یعنی فیدز مانند سال ۱۹۳۳ می‌تواند با اکثریت دومسود خود در پارلمان قانون اساسی این کشور را تغییر دهد. «آنا ماریا زالای» سرپرست امور مطبوعات و سخنگوی مطبوعاتی حزب نیز که زمانی یکی از فعال‌ترین اعضای فیدز بود، حال سستگینی این بار را بر دوش خود حس می‌کند و به نوعی ناپدید شده است. معاون وی در پاسخ به پرسش‌های خبرنگاران یک بار می‌گوید او به مرمضی رفته است، بار دیگر اظهار بی‌اطلاعی می‌کند و زمانی دیگر می‌گوید خانم زالای

بیمار است: «ناسفاهانه من هم نتوانستم‌ام با وی تماس بگیرم.» «جوژف هانتوس» که از مدت‌ها پیش همراه با خانم زالای کنترل مطبوعات را آغاز کرد یک مجله زرد روی پایش گذاشته و می‌گوید: «در آن زمان نمی‌دانستم‌بش تصویر این قانون چه پیش می‌آید.» با این حال زرمزه‌ها در مورد موج جدید سانسور دولتی در مجارستان پایان خواهد گرفت و این روزها اروپا رفتاری اسرارآمیز نسبت به این کشور ساحل دانوب از خود بروز می‌دهد. اما از نظر کارشناسان شکاف موجود در جامعه مجارستان یعنی همان شکاف میان چپ و راست و دوست و دشمن که از زمان آن کمونیست یعنی «یانوس کادارس» ایجاد شد، بار دیگر گسترده خواهد شد و باز هم روزنامه‌نگاران منتقد مانند همان دوران یا از گردونه خارج شده یا با نظم جدید هماهنگی پیدا خواهند کرد. ویکتور اوربان از ماه مه ۲۰۱۰ ریاست‌جمهوری مجارستان را بر عهده دارد. او که زمانی یک سیاستمدار لیبرال و منتقد بود حال تبدیل به حاکمی با شعارهای ملی و ناسیونالیستی شده است و در نظر دارد به گفته خودش «به خواست ملت» اصلاحاتی محافظه‌کارانه را در عرصه‌ای به اجرا گذارد که حزب سابق کارگر پس از سال‌ها ناتوانی در اداره کشور برای وی به ارث گذاشته است. «لازلو ماجنتی» حقوق‌ال لیبرال و سرپرست سابق کمیسیون

## جهان



نظارت بر رادیو و تلویزیون مجارستان عقیده دارد: «اگر باز هم سوسیالیست‌ها به قدرت برسند از همان جایی شروع می‌کنند که تمام کرده بودند و وضعیت بهتر نخواهد شد.» ماجنتی یک سال پیش و بعد از آنکه پی برد سوسیالیست‌های در آن زمان حاکم با حامیان اوربان به صورت پنهانی به توافق رسیده‌اند از سمت خود کناره‌گیری کرد. او می‌گوید: «اگر به دنبال ریشه‌های همه مشکلات مجارستان در دولت فعلی باشید کاملاً به خطا رفت‌اید زیرا این سیستم کهنه و فاسد بود و حال به صورتی دیگر فاسدتر می‌شود. قانون جدید رسانه‌ها حقوق اساسی ما یعنی آزادی اندیشه را هدف قرار داده است.» اگرچه همسکاران مجارستان در اتحادیه اروپا به شدت از وضعیت موجود در این کشور وحشت‌زده می‌شوند اما نشانه‌ها حاکی از آن است که هیچ یک از آنها قصد اقدامی عملی در این مورد را ندارد. یکی از مخالفان دولت مجارستان می‌گوید: «وضعیت مانند آن است که کودکی در استخر افتاده و والدینش به جای آنکه به داخل استخر نگاه کنند به‌دور و بر آن نگاه می‌کنند. در مجارستان هیچ مسالهای شگفت‌آور نیست.»

روشنفکران مجارستان در روزهای اخیر با درخواست از آنکلا مرکل و مقامات بلندپایه اتحادیه اروپا مانند خوزه مانوئل باروسو از آنان خواسته‌اند تحولات مجارستان را با دقت بیشتری رصد کنند و ببینند



این کشور از نظر سیاسی در دوران اوربان به شدت زیر و رو شده است. به گفته این عده اوربان اختیارات دادگاه قانون اساسی را کاهش داده و استقلال بانک مرکزی را زیر سوال برده است و طرفداران خود را در راس دیوان عالی کشور و امور مربوط به فرهنگ و علوم منصوب کرده است. البته هیچ یک از این قدرت‌طلبی‌های رئیس دولت بوداپست تأثیری بر مردم عادی نگذاشته است و در خلال روزهای منتهی به کریسمس با گشت و گذاری در میان خیابان‌های پایتخت مجارستان کاملاً معلوم می‌شد که نگرانی بسیاری از این مردم از جنس دیگری است. فقرا و بی‌خانمان‌ها در حالی که با کلاه‌های پشمی خود را از گزند سرما حفظ می‌کردند، برای دریافت سوپ مجانی صف کشیده بودند. اما حتی در قلب این محلات

فقیرنشین هم آثاری از مقاومت به چشم می‌خورد. «گابور سیمونوویچ» با آن ریش پرپشت و عینک ته‌استکانی و یک بطری فانتا در گوشه‌ای نشسته است. این دانشجوی رشته اقتصاد که از جمله نسل فیس‌بوکی مخالفان اوربان به شمار می‌آید، می‌گوید: «من عقیده ندارم اوربان ما را به صخر حجر می‌برد و این را هم قبول ندارم که ما باید از سانسور وحشت کنیم اما در این مورد که وضعیت خیلی بدی است با دیگران هم‌عقیده هستم.»

سیمونوویچ در کنار تعداد زیادی از دوستانش چهار روز قبل از کریسمس تظاهراتی را در مقابل پارلمان مجارستان برپا کرد که تصاویر آن به همه جهان مخابره شد؛ همان تصاویر جوانان خشمگینی که با چسب زخم دهان‌های خود را پوشانده یا با دست جلوی دهان خود را گرفته بودند و در کانون این تصاویر چهره سیمونوویچ دیده می‌شد. این تصاویر در سراسر دنیا و البته با کمی دستکاری منتشر شد اما با این وجود حداقل بسیاری از مردم اروپا دچار ناامیدی شدند زیرا با توجه به این تصاویر معلوم می‌شود که تنها ۱۵۰۰ نفر از جمعیت ۱۰ میلیون مجارستان علیه این قانون دست به تظاهرات زداند. سیمونوویچ که اصرار دارد خود را یک «گام سیاسی» و نه «فعال سیاسی» معرفی کند، می‌گوید: «ما حتی یک تریبون هم برای سخنرانی نداشتیم و به همین خاطر از کافه‌ای در آن نزدیکی یک بشکه آوردیم و به عنوان تریبون از آن استفاده کردیم.» مساله اصلی برای جوانان مجار این است که کشورشان جدی گرفته شود و حتی‌الامکان فاصله خود را از احزاب حفظ می‌کنند. جوانان مجار این است که کشورشان جدی گرفته شود و حتی‌الامکان فاصله خود را از احزاب حفظ می‌کنند. «بال اوتوس» هم در آن شبی که قانون جدید رسانه‌ها در پارلمان تصویب شد در میان تظاهرکنندگان بود. او به مدت ۳۲ سال عضو تحریری بوده و ۱۵ سال سردبیری روزنامه سابق حزب وحدت مجارستان را بر عهده داشته است. او‌توس می‌گوید: «ما روزنامه‌نگاران در دوران تغییر و تحولات در خط مقدم مبارزه بودیم اما آن دوران سپری شده و حال دیگر انگیزه‌ای برای این شغل ملال‌آور نداریم.» این روزها رسانه‌های اروپای غربی به شدت در حال تحلیل و تفسیر قانون جدید رسانه‌ها در مجارستان هستند اما آنچه در این میان نادیده گرفته می‌شود همان رنگ خطری است که به گفته او‌توس برای نظام ارزشی غرب به صدا درمی‌آید: «تأسیس اداره جدیدی برای کنترل رسانه‌ها در مجارستان به نوعی شبیه همان اولین گناه است. چیزی شبیه به خوردن سم از طرفی کوچک که به تدریج فرد را مسموم می‌کند و همه بدن را فرامی‌گیرد.»

**منبع: اشپیگل**

از میانه‌های دهه ۷۰ میلادی بر جنب و جوش خود افزوده‌اند، در هزاره نو با ارتباطات مخفی حملاتی را علیه دیپلمات‌ها سازماندهی می‌کنند. عملیاتی که به باور صاحب‌نظران سیاسی شاید تنها وسیله‌ای برای ابراز وجود دولت تا رسیدن به هدفی. اهداف این گروه‌ها هم البته یک دست نیست. در حالی که برخی خود را آنارشیست می‌نامند و با هر کسی مخالفت می‌کنند برخی بر فعالیت‌های ضدامپریالیستی و ضدجهانی‌سازی هم تمرکز کرده‌اند. با این وجود آنارشیست‌های اروپا می‌کشوند با هم متحد بمانند چنان که زمانی مارکسیست‌ها چنین می‌کردند. برخی از مردم شاید به دلیل چنین آرمان‌هایی با آنها همراه شوند ولی گویا آنها خود می‌دانند که اقبال چندانی نزد مردم ندارند. از همین روست که سه آنارشیست ایتالیایی بازداشت‌شده پافشاری کرده‌اند که حملات‌شان را چنان برنامه‌ریزی کرده‌اند که مردم آسیب نبینند و این بی‌تردید باعث خوشحالی سیاستمداران است. مردان و زنان سیاست اروپا گرچه باکی از سرنگون شدن از سوی آنارشیست‌ها ندارند اما عصبانیت مردم ناراضی در کنار فعالیت بیشتر گروه‌های ضددولتی نمی‌تواند خوشایند آنها باشد. به همین دلیل گرچه اکنون تقریباً تمامی اروپاییان ناراضی از شرایط اقتصادی خود هستند، اما آینده فعلی برای آنارشیست‌های اروپا نمی‌توان تصور کرد. با این همه سازمان‌های آنارشیستی که امروزه با عنوان‌هایی چون هرج و مرج‌طلب و نهیلیست‌های دردسرساز از آنها یاد می‌شود و در کشورهایی چون یونان و ایتالیا و دیگر نقاط دنیا ممکن است بی‌اهمیت به نظر آیند، نزدیک به دو قرن است که تاریخ جهان را متأثر ساخته‌اند تا ببینیم در آینده چه کسی قربانی بی‌قانونی آنها خواهد شد.

## یادداشت

## تجمع عینی قدرت در شورای جدید

اودشیر زارعی‌قنواتی

شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان قدرتمندترین بازوی اجرایی این نهاد بین‌المللی همواره نقش پراهمیتی در سیاست جهانی و نقشه‌های ژئوپولیتیک بین‌المللی داشته است. در شرایطی که تصمیم‌گیری و قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای زیرمجموعه این سازمان بیشتر تبلور افکار عمومی و همکاری‌های مبتنی بر مناسبات داوطلبانه تلقی می‌شود، شورای امنیت نقش متفاوتی را بازی می‌کند. فصل‌الخطاب بودن قطعنامه‌های این شورا و الزام رعایت آن از سوی اعضای سازمان ملل متحد، به این نهاد تصمیم‌گیر قدرت ویژه و منحصر به فردی می‌دهد که دیگر نهادهای سازمان فاقد آن هستند. این شورا بر اساس ماده ۲۴ منشور سازمان ملل متحد «وظیفه پاسداری از امنیت و صلح بین‌المللی» را بر عهده داشته و به همین دلیل قطعنامه‌های آن در این چارچوب قائم بر دیگر تصمیمات جمعی در درون سازمان خواهد بود. مکانیسم پیچیده و قائم به ذات تصمیمات در شورای امنیت با توجه به قدرت اعمال اراده و به عکس جهت لغو قطعنامه‌های قبلی که منوط به توافق هر ۱۵ عضو دائم و غیردائم آن است، اهمیت ذاتی این نهاد قانونی را دوچندان می‌کند. ورود هر پرونده‌ای به این شورا که از مسیر مذاکرات دو جانبه، بیانیه و در نهایت صدور قطعنامه می‌گذرد، بار حقوقی این نهاد مسوول را در مواجهه با رویدادهای بین‌المللی افزایش می‌دهد. به همین دلیل به موازات قدرت تصمیم‌گیری در خصوص پرونده‌های ارجاعی به شورای امنیت که به نوعی تصویر گروگانگیری را ترسیم می‌کند، ورود اعضای جدید و غیردائم در کنار پنج عضو دائم و دارای «حق وتو» می‌تواند برای این اعضا یک مصونیت حداقلی و شراکت حقیقی و حقوقی در بالاترین نهاد قدرت بین‌المللی را ایجاد کند. بحث اصلاحات در شورای امنیت چندین سال است که مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفته و در این راستا چندین قدرت سنتی و نوظهور مدعی حق عضویت دائم در این شورا هستند. در مقطع کنونی که ضرورت اصلاحات در این نهاد بین‌المللی تقریباً از سوی همگان و به خصوص پنج عضو دائم آن پذیرفته شده است، بحث‌های شکلی و مکانیسمس اجرایی این موضوع بیش از هر چیزی به مناسبات قدرت و پارگیری قدرت‌های جدید مدعی در محیط بین‌الملل بستگی خواهد داشت. به یقین الزام اصلاحات در شورای امنیت در جهت سلب قدرت و کاهش جایگاه آن در مناسبات قدرت نخواهد بود و تنها می‌تواند در مسیر بسیط شدن این نهاد و دموکراتیزاسیون تصمیمات اتلی تلقی شود. ترکیب اعضای غیردائم که هر سال پنج عضو جدید به مدت دو سال وارد شورای امنیت می‌شوند تأثیر مستقیم و غیرمستقیمی بر عملکرد و موضع‌گیری‌های این نهاد خواهد داشت. در شرایط کنونی با توجه به تحولاتی که قرار است در درون شورای امنیت اتفاق بیفتد جدا از اینس تأثیرگذاری بیرونی، از یک ویژگی درونی نیز بر خوردار است. حضور اصلی‌ترین مدعیان عضویت دائم در شورای امنیت از جمله هند، آلمان، برزیل و آفریقای جنوبی در دوره و ترکیب جدید، می‌تواند یک فراکسیون قدرتمند جهت اجرای این اصلاحات و تحکیم موقعیت این چهار عضو غیردائم جهت دستیابی به اهداف چندجانبه آنان به حساب آید. از اول ژانویه سال ۲۰۱۱ میلادی دوره جدید شورای امنیت شروع شد و اعضای تازه‌ای به هند، آلمان و آفریقای جنوبی را شامل می‌شود در کنار برزیلی قرار گرفتند که همگی در یک نکته اشتراک منافع دارند. این گروه چهار که در حوزه بین‌المللی و منطقه‌ای هم‌اکنون از قدرت بسیاری برخوردار هستند در کنار هم، تبدیل به یک اهرم فشار و قطب تأثیرگذار برای مصوبات اتی، اصلاحات درونی و تقویت احتمال پذیرش حق عضویت دائم خواهند شد. از طرف دیگر تجمع این فراکسیون با پنج عضو دائم شورای امنیت، ترکیب جدیدی را به وجود می‌آورد که وزن و اعتبار تصمیمات متخذه را سنگین‌تر می‌کند. این موقعیت دوگانه در شرایط کنونی یک وضعیت خاص را در این نهاد ایجاد می‌کند که حوزه بیرونی و درونی را به شدت تحت تأثیر اجتناب‌ناپذیر خود قرار خواهد داد. از آنجا که تجدیدنظر در روابط سنتی از دهه قبل ضرورت خود را نشان داده است و گروه جی‌هشت هم‌اکنون زیر سایه گروه ۲۰ در حوزه هژمونی قدرت اقتصاد بین‌الملل به این باشگاه قدرتمندان تحمیل شده است، انتظار چنین تجدیدنظری در ترکیب اصلی شورای امنیت در سال آینده نیز قابل انتظار است. حداقل بر اساس اظهارنظرهای مقامات هندی و آلمانی به نظر می‌رسد موضوع عضویت دائم در شورای امنیت از جمله اولویت‌های اساسی آنان در آستانه ورودشان به این نهاد تصمیم‌گیر خواهد بود. نکته جالب‌تر در اینجاست که چهار کشور فوق بنا بر موقعیت خود در رقابت با دیگر مدعیان از جایگاه و اعتبار افزون‌تری نیز برخوردار بوده و در صورت تشکیل یک فراکسیون قادر به کسب امتیازاتی هستند که در وضعیت غیاب قبلی شاید تا حدودی زمانبر یا دست‌نیافتنی تلقی می‌شد. حمایت تلویمی و آشکار اتحادیه اروپا از آلمان، منطقه آسیا از هند، آفریقا از آفریقای جنوبی و امریکای لاتین از برزیل جهت کسب کرسی دائم شورای امنیت، حریم امن و مطلوبی برای آنان برای رسیدن به این هدف مهم خواهد بود. اقبال دیگر گروه چهار در ترکیب جدید شورای امنیت در این است که رقبای سنتی آنان چون ژاپن، ایتالیا و نیجریه در سال ۲۰۱۱ در ترکیب این شورا غایب بوده و به همین دلیل شانس عینی آنان برای جلب موافقت اعضای دائم و جامعه جهانی را افزایش خواهد داد. از سوی دیگر حضور هم‌زمان این مدعیان در ترکیب جدید موجب تسریع در اصلاحاتی می‌شود که از قبل ضرورت آن به اثبات رسیده بود و این موضوع، جلسات شورای امنیت در سال ۲۰۱۱ را دست‌خوش یک مطالبه درونی با قدرت عینی می‌کند که نتایج آن در حاصل جمع تجمع قدرت دوگانه در تحلیل نهایی خود را نشان می‌دهد.